

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

پانزدهم رمضان المبارک ۱۴۴۴ مطابق با ۱۴۰۲/۱/۱۷

ميلاد دومين اختر تابناک امامت، امام حسن مجتبی (عليه آلاف التحية و الثناء)

بر همه ارادتمندان و مواليان و محبين اهل بيت عصمت و طهارت تبریک و تهنيت باد و بهترين بهره‌های از اين مناسبت نصيب و روزی همه شيعيان و مسلمانان و محرومين جهان باشد انشاءالله

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَالَمُ بِالتَّأْوِيلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْهَادِي الْمَهْدِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرُ الزَّكِيُّ
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّقِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ الصَّدِّيقُ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

ميلاد كريم آل طاها آمد از بهر همه روح مسيحا آمد

درپيش قدومش همگی برخيزيد گفتند که چون يوسف زهرا آمد

حضرت امام حسن مجتبی (صلوات الله و سلامه عليه) فرمود: « وَاعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا، وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا - در دنیا چنان برنامه ریزی کن - از نظر اقتصاد و صرفه جوئی و... - مثل آن که می خواهی همیشه دوام داشته باشی، و نسبت به آخرت به نوعی حرکت و کار کن مثل این که فردا خواهی مُرد. » (بحارالانوار: ج ۴۴، ص ۱۳۸، ح ۶)

موضوع تدبر:

چگونه می‌توان به شیوه‌ای که امام مجتبی علیه السلام فرمود نسبت به دنیا و آخرت اقدام نمود؟! در حالی که دنیا و آخرت به فرمایش مولای متقیان علی علیه السلام، دو دشمن ناهماهنگ و دو راه جدا از هم هستند. پس، هر که دنیا را دوست داشته باشد و با آن دوستی کند، از آخرت نفرت دارد و با آن دشمنی می‌ورزد. دنیا و آخرت به منزله مشرق و مغربند، که هر کس میان آن دو را بپیماید هر چه به یکی نزدیک شود، از دیگری دور گردد. دنیا و آخرت هووی همنند.

تشنه ام تشنه مرا آب حیاتی بفرست به دل سوخته من برکاتی بفرست

شام میلاد کریم است کریمانه بیا ماه برنیمه رسیده صلواتی بفرست

پاسخ اجمالی:

آنچه که با هم سازگار نیست تعلق و دوستی دنیا و آخرت است؛ مانند مسافری است که علاقه شدید او به سفر کردن با علاقه شدید به پرهیز از سفر و ماندن در خانه و محله شهر و دیار خود، سازگار و قابل جمع نیست. تعبیر امام مجتبی علیه السلام « وَاعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا » به معنای استفاده از

فرصتها و امکانات دنیا برای بهترین زندگی معنوی همراه با برخورداری از مواهب دنیا در جهت رشد کمال انسانی و داشتن یک حیات طیبه مورد رضای حق تعالی، نه تنها مخالفتی با «وَاعْمَلْ لِّآخِرَتِكَ كَاءَنكَ تَمُوتُ غَدًا» ندارد بلکه این دو توصیه کاملاً هماهنگ و لازم و ملزوم همدیگرند.

مانند کودکی که از همه امکانات و قابلیت‌های رحم برای رسیدن به نهایت آمادگی جهت تولدی بی‌نقص و عیب و زندگی کامل‌تری در دنیا، بهره می‌برد. وقتی گفته می‌شود فلانی «عاش سعیدا و مات سعیدا» یعنی فلانی با برکت زندگی کرد و آینده خود را ساخت و قیامتش را آباد نمود و یا وقتی در دعا می‌خوانیم که: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» - خدایا ما را از نعمتهای دنیا و آخرت هر دو بهره‌مند گردان و از عذاب آتش دوزخ نگاه دار. (بقره/۲۰۱) به معنای غرقه بودن در عیش و لذتهای دنیایی نیست که با غرقه بودن در عیش و لذتهای معنوی سازگار نباشد. الگوهای تربیتی اسلام به بهترین وجه چگونگی جمع بین این دو فراز از فرمایش امام مجتبی علیه السلام را در زندگی سعادت‌مندان خود به ما نشان می‌دهند.

سدر جود و کرم دست خدا هست حسن دست همه را وقت عطا بست حسن
نومید نگردد کسی از درگه او زیرا که کریم اهل بیت است حسن

پاسخ تفصیلی:

خوب است شیوه عملی درک لذت‌هایی را که دنیا و آخرت را با هم جمع نموده و آن حضرت را در عمل به فرمایش دُرربار خودش نشان می‌دهد، جویا شویم:

لذت توأم کردن بخشش و هدایت دلها: عثمان در کنار مسجد مدینه نشسته بود. مرد فقیری از او کمک مالی خواست. او پنج درهم به وی داد. فقیر گفت: مرا نزد کسی راهنمایی کن که کمک بیشتری به من کند. عثمان به طرف حضرت مجتبی و حسین بن علی علیهما السلام و عبدالله جعفر، که در گوشه‌ای از مسجد نشسته بودند اشاره کرد و گفت: نزد این چند نفر جوان که در آنجا نشسته‌اند رفته، از آنها تقاضای کمک کن. وی نزد آنها رفت و درخواست کمک نمود. امام حسن علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تُجَلِّ إِلَّا فِي إِحْدَى ثَلَاثٍ دَمٍ مُفَجَّعٍ، أَوْ دَيْنٍ مُفَرَّغٍ، أَوْ فَقْرٍ مُدَقَّعٍ، فَفِي أَيِّهَا تَسْأَلُ؟» - از دیگران کمک مالی خواستن، تنها در سه مورد رواست: دیه‌ای (خونبها) به گردن انسان باشد و از پرداخت آن به کلی عاجز باشد، یا بدهی کمرشکن داشته باشد که از عهده پرداخت آن ناتوان است، و یا فقیر و درمانده گردد، به گونه‌ای که دستش به جایی نرسد. پس در مورد کدامیک از این سه مورد درخواست کمک می‌کنی؟» گفت: اتفاقاً گرفتاری من یکی از همین سه چیز است. حضرت مجتبی علیه السلام پنجاه دینار به وی داد، و امام حسین علیه السلام به پیروی از آن حضرت [و با حفظ حرمت او] چهل و نه دینار، و عبدالله بن جعفر چهل و هشت دینار به وی دادند. مرد فقیر هنگام برگشت، از کنار عثمان گذشت. عثمان گفت: چه کردی؟ جواب داد: از تو پول خواستم، تو [اولاً کم] پول دادی و [ثانیاً] نپرسیدی پول را برای چه منظوری می‌خواهم؟ اما هنگامی که نزد آن سه نفر رفتم، یکی از آنها (حسن بن علی) در مورد مصرف پول از من پرسش نمود و آن گاه هر کدام مبالغی را به من عطا کردند. عثمان گفت: این خاندان، منبع علم و حکمت، و سرچشمه نیکی و فضیلتند. نظیر آنها را نمی‌توان یافت. (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۳۳)

«حضرت مجتبی علیه السلام در طول عمر خویش دو بار تمام اموال و دارایی خود را در راه خدا خرج کرد و سه بار ثروت خود را به دو نیم تقسیم کرده و نصف آن را برای خود نگهداشت و نصف دیگر را در راه خدا بخشید.» (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۵)

محبین آن حضرت امروزه در مراسم اربعین به راه و روش ایشان اقتدا می‌کنند اموال خود را به مناسبت اربعین، در راه اعتلای شعائر دین هدیه می‌کنند و سال دیگر با برکتی چند برابر از خدا دریافت می‌کنند.

امشب ز سما نور خدا می‌آید سر منشاء احسان و عطا می‌آید

در دهر تمام شیعیان مسرورند زیرا که امام مجتبی می‌آید

لذت جبران احسان: یکی از کنیزان حضرت، دست گلی را به عنوان هدیه به آن حضرت تقدیم کرد. حضرت او را در مقابل آزاد نمود. وقتی به آن حضرت گفتند: چگونه کنیزی را که قیمت گزافی دارد در مقابل یک دسته گل آزاد کردی؟ فرمود: خداوند ما را این چنین تربیت نموده و فرموده است: «وَ إِذَا حُيِّئُمْ بِنَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنِّ مِمَّا أُوْرُوهَا- هرگاه با تحیتی به شما تحیت گفته شد، شما نیز تحیتی بهتر یا همانند آن بفرستید. (نساء/ ۸۶) » و من هدیه‌ای بهتر از آزادی برای این کنیز نیافتیم. (بحار الانوار، همان، ج ۴۳، ص ۳۳۲)

لذت ارشاد و هدایت: روزی فقری نزد آن حضرت آمد و درخواست کمک نمود. حضرت پولی نداشت به او کمک کند و از اینکه مرد فقیر ناامید برگردد، شرمسار بود؛ لذا فرمود: آیا حاضری تو را به کاری راهنمایی کنم که به مقصودت برسی؟ فقیر گفت: چه کاری؟ حضرت فرمود: امروز دختر خلیفه از دنیا رفته و خلیفه [سخت] عزادار است، ولی هنوز کسی [جرأت نکرده] به او تسلیت بگوید. نزد خلیفه می‌روی و با سخنانی که به تو می‌گویم، او را تسلیت می‌گویی. فقیر گفت: چگونه تسلیت بگویم؟ حضرت فرمود: وقتی نزد خلیفه رسیدی بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَتَّرَهَا بِجُلُوسِكَ عَلَى قَبْرِهَا وَلَا هُنَّكَهَا بِجُلُوسِهَا عَلَى قَبْرِكَ - ستایش خدای را که او را مستور کرد [و زیر خاک پنهان نمود] با نشستن تو بر قبر او (یعنی زیر سایه پدر از دنیا رفت) و او را هتک و اهانت نکرد با نشستن او بر سر قبر تو (یعنی ممکن بود بعد از تو دخترت در عالم تنهایی مورد هتک و بی‌حرمتی قرار بگیرد).» مرد فقیر طبق گفته حضرت عمل کرد. این جملات عاطفی اثر عمیقی بر روح خلیفه گذارد و از حُزن و اندوه او کاست؛ از این رو دستور داد جایزه‌ای به وی بدهند. آن گاه پرسید: این سخن از آن تو بود؟ گفت: نه، حسن بن علی علیهما السلام آن را به من آموخته است. خلیفه گفت: راست می‌گویی، او منبع سخنان فصیح و شیرین است. (سیره پیشوایان، ص ۹۱ و ۹۲)

ماه رحمت، سفره اش گسترده شد زنده از فیضش جهان مرده شد

آسمان پرگشته از شادی و شور آمده از لطف حق میلاد نور

لذت رهایی بخشیدن از دست دشمن بی‌رحم: شخصی خدمت حضرت مجتبی علیه السلام رسید و عرض کرد: ای فرزند امیرمؤمنان! تو را به خدایی که به شما نعمت فراوان داده سوگند می‌دهم به فریاد من برس که دشمنی ستمکار دارم که نه حرمت پیران را پاس می‌دارد، و نه به کوچکی صغیران ترحم می‌کند. حضرت که به جایی تکیه داده بودند، با شنیدن این سخن برخاسته و فرمودند: این دشمن کیست تا داد تو را از او بگیرم؟ عرض کرد: دشمن من فقر و نداری است. حضرت اندکی سر به زیر انداخته، سپس به خدمتکار خویش فرمودند: آنچه از مال نزد تو موجود است حاضر کن. او نیز پنج هزار درهم آورد و به آن مرد داد. و بعد، حضرت فرمودند: تو را به خدا سوگند می‌دهم هرگاه بار دیگر این دشمن به تو حمله کرد و در حق تو ستم روا داشت، او را نزد من بیاور تا [شر] او را از تو دور گردانم. (بحار الانوار، ص ۳۵۰)

تا در آئینه او حُسن خدا را دیدند نام او را ز سماوات حَسَن نامیدند

لذت ترجیح دستگیری از نیازمندان بر عبادت مستحبی: امام حسن مجتبی علیه السلام در حال اعتکاف در مسجدالحرام، مشغول طواف خانه خدا بود که ناگهان مردی نزد آن حضرت آمد و عرض کرد: من [به فردی] بدهکارم و طلبکارم تهدید کرده اگر قرض او را ادا نکنم آبرویم را ببرد. حضرت طواف را قطع کرد و از مسجد الحرام خارج شد تا همراه وی به نزد طلبکارش رود و برای او مهلت بگیرد. ابن عباس که گمان برد حضرت اعتکاف خویش را از یاد برده است عرض کرد: گویا اعتکاف خود را فراموش کرده اید؟ حضرت فرمود: «لَمْ أَنْسَ وَلَكِنِّي سَمِعْتُ أَبِي يُحَدِّثُ عَنْ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّهُ قَالَ مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فَكَأَنَّمَا عَبْدُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ تِسْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ صَائِمًا نَهَارَهُ قَائِمًا لَيْلَهُ - از یاد نبرده ام، ولی از پدرم شنیدم که از جدم رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل می‌کرد که او فرمود: هر کس در مورد حاجت برادر مسلمانش تلاش کند، مانند آن است که خدای عزیز و جلیل را نه هزار سال عبادت کرده باشد، که روزهایش را روزه بوده و شبهایش را به قیام گذرانده باشد.» (وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۴۰۹)

لذت آزاد کردن جسم و جان گرفتاران: حضرت مجتبی علیه السلام گوسفندی داشتند. روزی دیدند که پای گوسفند شکسته است. به غلام خود فرمود: چه کسی این کار را کرده است؟ غلام عرض کرد: من این کار را انجام داده ام. حضرت فرمود: چرا چنین کردی؟ غلام عرض کرد: می‌خواستم شما را ناراحت و اندوهگین کنم. حضرت تبسم کرد و آن گاه فرمود: این عمل به خاطر این است که تو آزاد نیستی. پس او را آزاد کرد و به او هدیه خوبی نیز عطا فرمود. (حیة الامام الحسن علیه السلام، قرشی، ج ۱، ص ۲۱۴) لذت گذشتی که اهلش می‌دانند: «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ - و خشم خود را فرو می‌برند، و از خطای مردم در می‌گذرند، و خدا نیکوکاران را دوست دارد- آل عمران/ ۱۳۴»

لذت قناعت و ساده زیستی: روزی حضرت مجتبی علیه السلام با برادرش حسین بن علی علیهما السلام و فرزندان عباس به باغ یکی از ارادتمندان رفتند و در باغ گردشی نمودند و در گوشه‌ای نشستند. امام مجتبی علیه السلام به شخصی به نام مُدْرِك بن زیاد فرمود: ای مرد! آیا غذا و خوردنی پیدا نمی‌شود تا میل کنیم. مُدْرِك فوراً مقداری نان و سبزی و نمک آورد و حضرت تناول کرد و فرمود: چقدر خوشمزه و پاکیزه بود! طولی نکشید که غذای بسیار لذیذ و خوشمزه‌ای آوردند. امام به مُدْرِك فرمود: تمام غلامان و خدمتگزاران را فراخوان تا از این غذا بخورند. غلامان آمدند و از غذا خوردند، ولی امام خود تناول نفرمود. مُدْرِك علت را پرسید. حضرت فرمود: آن نان و نمک و سبزی غذای محرومان بود و همان غذای محبوب من می‌باشد. (حیة الامام الحسن علیه السلام، همان، ج ۱، ص ۳۳۰)

مجموعه صفات خدا می شود حسن اسماء ذات، وقت دعا می شود حسن

لذت مهربانی بر کودکان: جمعی از کودکان مشغول غذا خوردن بودند. امام حسن علیه السلام به آنان رسید. آنها از امام برای خوردن غذا دعوت کردند. حضرت اجابت کرد و کنار آنان نشست و با آنان غذا خورد. سپس آنها را به منزل خویش دعوت نمود و هدایای ارزشمند و قابل توجهی به آنها عطا کرد و چنین فرمود: ارزش کار آنها بیشتر از ارزش کار من بود. چرا که آنان از تمام آنچه خود داشتند به من خوراندند، و غیر از آن چیزی نداشتند؛ ولی ما از آنچه که داریم به آنها عطا کردیم و غیر از آن نیز داریم. (حیة الامام الحسن علیه السلام، همان، ج ۱، ص ۳۲۴)

با نان و خرما می‌رسی، من هم یتیمم اما نه خرما، مست دستان کریمم

لذت داشتن شجاعتی که در راه خدا باشد: امام مجتبی علیه السلام در جنگ جمل، در رکاب پدر خود امیرمؤمنان علیه السلام در خط مقدم جبهه می‌جنگید و از یاران دلاور و شجاع علی علیه السلام سبقت می‌گرفت و بر قلب سپاه دشمن حملات سختی می‌کرد. (مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۱) شجاعت حضرت به قدری بود که امیرمؤمنان علیه السلام در جنگ صفین از یاران خود خواست که حسن و حسین علیهما السلام را از ادامه جنگ باز دارند؛ چنان که می‌خوانیم: «اسْلُكُوا عَنِّي هَذَا الْغُلَامَ لَا يَهْدُنِي فَإِنِّي أَنَفْسُ بِهِذَيْنِ (الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ) عَلَى الْمَوْتِ لِنَلَّا يَنْقَطِعَ بِهِمَا نَسْلُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ- جُلُو این جوان را بگیرید که [با کشته شدنش] من از پا در می‌آیم، به راستی من از فرستادن این دو (حسنین علیهما السلام) به کام مرگ دریغ می‌ورزم؛ چرا که با از بین رفتن این دو، نسل پیامبر قطع خواهد شد.» (خطبه ۲۰۰؛ حیات الامام الحسن، قرشی، ج ۱، ص ۴۹۷)

لذت کیمیاگری در تبدیل شی فانی به باقی: جنادة بن امیة می‌گوید: در واپسین لحظه‌های بیماری امام حسن مجتبی علیه السلام به محضر آن حضرت رسیدم، عرض کردم: ای پسر رسول خدا نصیحتی بفرمایید. فرمود: «إِسْتَعِدَّ لِسَفَرِكَ وَ حَصِّلْ زَادَكَ قَبْلَ خُلُولِ أَجَلِكَ وَاعْلَمْ أَنَّكَ تَطْلُبُ الدُّنْيَا وَالْمَوْتَ يَطْلُبُكَ وَلَا تَحْمِلُ هَمَّ يَوْمِكَ الَّذِي لَمْ يَأْتِ عَلَى يَوْمِكَ الَّذِي أَنْتَ فِيهِ وَاعْلَمْ أَنَّكَ لَا تَكْسِبُ مِنَ الْمَالِ شَيْئاً فَوْقَ قُوَّتِكَ إِلَّا كُنْتَ خَازِناً لِغَيْرِكَ وَاعْلَمْ أَنَّ فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَ فِي حَرَامِهَا عِقَابٌ وَ فِي الشُّبُهَاتِ عِتَابٌ- خود را برای سفر آخرت آماده کن، و قبل از فرا رسیدن مرگ، زاد و توشه تهیه کن، و بدان که به راستی تو به دنبال دنیا هستی در حالی که مرگ به دنبال توست، و غصه روزی را که هنوز نیامده [یعنی فردا] بر روزی که در آن قرار داری تحمیل نکن [بلکه از امروزت استفاده کن]. و بدان که آنچه بیش از غذای خود از مال کسب می‌کنی، خزانه دار و نگهبان [وارثان و] دیگران هستی. بدان که به حقیقت در حلال آن حساب و در حرام آن عقاب و در شبهه ناک آن سرزنش است.» (کفایة الاثر، ص ۲۲۷ و ۲۲۸)

«فَأَنْزَلَ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ الْمَيْتَةِ خُذْ مِنْهَا مَا يَكْفِيكَ، فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ حَلَالاً فَقَدْ زَهَدْتَ فِيهَا وَ إِنْ كَانَ حَرَاماً لَمْ يَكُنْ فِيهِ وَزْرٌ، فَأَخَذْتَ كَمَا أَخَذْتَ مِنَ الْمَيْتَةِ، فَإِنْ كَانَ الْعِتَابُ فَإِنَّ الْعِتَابَ يَسِيرٌ- پس دنیا را به منزله مرداری قرار بده و به اندازه کفایت [و در حد ضرورت] از آن بگیر. پس اگر آن [مال] حلال باشد [با مصرف اندک] زهد ورزیده‌ای و اگر حرام باشد گناهی بر تو نیست؛ چرا [که به اندازه ضرورت و در حال اضطرار از آن استفاده برده‌ای و] از آن برگرفته‌ای، چنانکه از مردار [در حال اضطرار] بهره می‌بری. پس اگر [هم] عتابی باشد، بسیار اندک است.» (بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۳۹)

سائل خانه ات از حد و عدد بیرون است آسمان نیز به درگاه شما مدیون است

نظری کن که در این ماه مسلمان بشویم کاش بر سفره افطار تو مهمان بشویم